

## موزار

نگارش آقای روح‌الله خالقی

اشخاصیکه بموزة «لوور» بروند تا بلوئی مشاهده میکنند که در سال ۱۷۷۷ در یکی از اطانها گذارده شده و نام این تا بلو چنین است: صرف چای در حضور شاهزاده «کنتی»<sup>۱</sup>. درین تا بلو هفده نفر بالباسهای فاخر دیده میشوند. در میان دو پنجره يك ارگ قدیمی گذارده شده و طفلش سه ساله‌ای با چهره‌ای مجزون پشت ارگ روی صندلی بلندی نشسته است. برای آنکه دست‌هایش به ارگ برسد تشك چهره‌های کوچکی هم روی صندلی قرار داده‌اند. در حقیقت این عروسك لاغر زیبا که سری بزرگ و موهائی بریشان دارد «موزار» یکی از نوابغ بزرگ موسیقی است که رشتۀ عمر او در ۳۵ سالگی بریده شد و دوران جوانی را در فقر و فاقه بسر برد.

«ولف گنگ موزار»<sup>۲</sup> بسال ۱۷۵۶ میلادی در «سالزبورگ»<sup>۳</sup> تولد شد. پدر موزار وقتی هوش و استعداد ویرا دید در اثر بدبختی و فقر و بیچارگی ویرا وسیله استفاده و گذراندن معاش خانواده قرار داد. این بود که موزار را از سن شش سالگی شهرهای بزرگ میرد و در حضور اشراف و بزرگان پیانوزدن او را نمایش میداد و مردم هم از نظر کنجکاوی بتماشای او می‌آمدند. موزار هم در اثر سفرهای خسته کننده و بی خوابی و ناراحتی و فقدان لوازم دوران کودکی روز بروز لاغرتر شد و چهره او در اثر کار زیاد و بی مواظبتی غم انگیزتر گردید و بشاشت و خوشدلی طفولیت را که از لوازم ایام کودکیست فاقد شد و همین ناسلامتی مزاج رشتۀ زندگانی او را هم کوتاه‌تر کرد.

موزار در سن ۲۲ سالگی بامادر خود پاریس آمد. زن‌ها که بقول «واگنر»<sup>۴</sup> موسیقی حیاتند، عاشق موسیقی موزار شدند و موزار هم عاشق یکی از همان دختران

گردید که از خانواده «وبر»<sup>۱</sup> بود، موزار امید دیگری غیر از همسری او نداشت ولی این دختر که آوازه خوان بود و برای کسب شهرت دو اسبه می‌تاخت خود را، محتاج موزار که نغمه پرداز و «نوامیز»<sup>۲</sup> بود میدید و ظاهراً با او اظهار میل میکرد ولی چیزی نگذشت که خواننده معروفی شد و اسمش بر سر زبانها افتاد و دیگری بموزار اعتنائی نکرد. موزار هم در عین ناامیدی رشته محبتی که بر گردنش بسته شده بود از روی غضب پاره کرد و مصمم شد دل بدیگری ندهد. ولی دل دردمند او آرام نمیآفت و پیوسته دلارامی را می‌جست زیرا بدون عشق زندگانی خود را تحمل ناپذیر میدید. چهوی مفتون صنعت موسیقی بود و میخواست درین هنر مقامی بزرگ یابد و چنانکه خود گوید: «تنها عشق نواغ را بوجود میآورد» و او هم بدون عشق نمی‌توانست با آرزوی خود رسیده و صنعتگر کاملی گردد.

از قضا موزار با خانواده «وبر» آمیزش داشت و خواهر کوچکتر معشوق اولی خود را گرفت. ولی تا آخر عمر ازین ازدواج ناراضی بود و چاره‌ای جز سکوت نداشت مبادا دل زود رنج زوجه خود را بیازارد.

موزار در سالهای اولیه بخيال اینکه زنش هم موسیقی او را دوست میدارد برای او قطعاتی می‌ساخت و آنها را باو هدیه میکرد. در حقیقت نسبت باو اظهار عشق کرده بود و آنچه را نمی‌توانست با زبان بیان کند با نتیجه سحر انگیز خود در زبان موسیقی باو میگفت. موزار بیچاره که برای بیان احساسات قلبی ساعتی چند خود را خسته و ناتوان کرده بود وقتی قطعه موسیقی که ساخته بود با تمام میرسانید تصور میکرد «کنستانس» عزیزش ازین زحمت او خرسند خواهد شد. سپس قطعه را برای زوجه خود مینواخت ولی «کنستانس» یا از تنگی حوصله بخواب رفته بود یا مانند سنگی بر جای خود نشسته به ماشای چیز دیگری مشغول بود و پس از آنکه متوجه موزار میشد چون جسدی بی روح باومی نگریست. موزار تا ده سال با او بسر برد و تا پایان زندگی هم او را دوست میداشت ولی عاقبت قبل از او وفات کرد و ساعتی که او را

بقبرستان میبردند و تنها کشیش بالای سر او دعا میخواند زنش چون مریض شده نزد دوستانش رفته بود نتوانست موزار را در آخرین دقائق زندگانی ببیند.

موزار کاملترین تمام نواغ موسیقی است و تنها موسیقی دانست که در تمام قلوب تأثیر دارد. در تمام اقسام موسیقی مهارت داشته و هر چه ساخته خوب از عهده برآمده است. چنانکه خود هم گفته است در تمام سبکهای مختلف می توانسته است قطعاتی ترکیب کند. با وجود این در تمام سبکهای متفاوت با زوروش او همین است زیرا سبکهای مختلف را با ذوق صنعتی و شخصیتی خود جاوه داده و بالاخره دارای روش خاصی شده است. موسیقی تنها کمال مطاوب او بوده و خود گفته است: دوست دارم که در موسیقی فکر کنم و در آن غور و مطالعه نمایم. موزار نسبت بسائر موسیقی دانها زیاده از حد خاضع بوده و با همه کس محبت داشته. وقتی که «پتهوون» نزد او پیانو زد او را تشویق کرد و اظهار داشت که وی موسیقی دان بزرگی میشود.

موسیقی موزار از «هایدن»<sup>۱</sup> اتخاذ شده ولی احساسات موزار بیشتر است. نعمات وی مانند الحان اینالیائی جذاب و دلرباست. آثار نبوغ از طفولیت در او نمایان بوده: در چهار سالگی قطعات کوچکی با پیانو می نواخت و پدرش که موسیقی شناس بود آنها را می نوشت، در سن ۲۳ سالگی موزار در کلیسای «سالز بورگ»<sup>۲</sup> موطن خود بشغل ارگ زدن انتخاب شد.

قطعات زیادی از ترکیبات موسیقی او در دست است از قبیل

Les noces de Figaro و La Clémence و La Flute enchantée و Don Juan

de Titus که آخرین ابرای اوست، عده ترکیبات او از ۶۰۰ تجاوز میکند. دوازده «سمفونی»<sup>۳</sup> ساخته که چهار قطعه آن شهرت دارد، نعمات زیادی بعنوان موسیقی روحانی برای کلیسا ایجاد کرده است.

موزار یکی از بزرگترین نواغ موسیقی آلمان است که در ۳۵ سالگی زندگی پر محنت خود را پایان رسانید ولی چنان اثری از خود بیادگار گذارد که تاریخ

۱ — Haydn نوامبز شهیر آلمانی و استاد موزار.

۲ — Symphonie یکی از اقسام موسیقی توصیفی و چند صدائیست :

عالم تاابد نام اورا از دست برد حوادث محفوظ میدارد. تنها اثری که از او در دست است همان نعمات دلپذیر اوست که باهر دلی راز و نیاز دارد ولی اگر عشاق موسیقی بخواهند گلی نثار آرامگاه او کنند قبر اورا نمی یابند زیرا روزیکه او آخرین نفس حیات را کشید باران شدید می بارید. طوفان عظیمی ناگهان برخاست و همراهان او مجبور شدند اورا در قبرستان ترك گویند. فردای آن روز وقتی زن او خواست چند قطره اشگی بیاد شوهر وفادار خود نثار کند جسد وی را نیافت و دیگر هم اثری از او دیده نشد.

دست ناسازگار ایام روزگار اورا بناخوشی گذرانید و طوفان طبیعت نیز جسد بی روح اورا با امواج دریا سپرد تا شاید مردم نام او را فراموش نکنند ولی خط موسیقی آثار او را حفظ کرد و ما را از شنیدن آنها بهره ور گردانید و گرنه از تصنیفات او هم مانند نعمات قدیم موسیقی ما شاید فقط بعضی اسامی بیادگار میماند و کسی راز کیفیت آنها اطلاعی نبود!

### جهان را نباید سپردن بید

جهان را نباید سپردن بید	که بر بدکنش بی گمان بدرسد
چنین است بادافره دادگر	که هر بدکنش را بد آید بسر
کسی کو بود پاک و یزدان پرست	نیازد بکردار بد هیچ دست
که هر چند بد کردن آسان بود	بفرجام ازو جان هراسان بود
چو بی رنج باشی و پا کیزه رای	از آن بهره یابی بهر دوسرای
	فردوسی